Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 14, No. 4, Winter 2025, 125-150
DOI: 10.21859/priw-140406

A Path to Equality: The Role of Islam and International Law in Preventing Discrimination in Fundamental Rights

Shahram Rahmani[1], Afshin Jafari[2]

Date of Received: 2024/08/20 **Date of Acceptance**: 2024/11/23

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

Abstract

Racial discrimination is a global challenge that has long been recognized as a significant and central issue with deep historical and social roots. However, Islam international law provide powerful frameworks that can a crucial role in achieving equality and for all humans, regardless of race ethnicity. The clear teachings of Islam established mechanisms within its dynamic sources (es, hadiths, and the's practices) to prevent and eliminate phenomenon. Similarly, international law and regional counterparts have widely reflected this importance This research reflects the perspective of Islamic and international law by examining these legal with the aim of prohibiting "discrimination It assumes that any individual, organizational or governmental behavior based on racial superiority hatred, as well as incitement to racial discrimination and the use oritement to use force against any human group or race, is an instance of racial discrimination and is prohibited. achieve this goal, this study utilizes resources

1. Assistant Professor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran, (responsible Author) dr.shahramrahmani@pnu.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran jafariafshin@pnu.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

and an analytical-descriptive, ultimately concluding that both international law Islamic jurisprudence emphasize the preservation of human and equality, and the implementation of, ensuring that all individuals enjoy their rights, such as the right to and residence, education, fair trial, and political rights, including freedom of.

Keywords: Racial Discrimination International Law, Islamic Jurisprudence, Rights

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال چهاردهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۳، صص ۱۵۰ - ۱۲۵

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۴۰۶

مسیری به سوی برابری: نقش اسلام و حقوق بین‌الملل در منع تبعیض در برخی حقوق بنیادین

شهرام رحمانی[۱]
افشین جعفری[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

تبعیض نژادی یک چالش جهانی است که از دیرباز به عنوان مسئله مهم و محوری بوده و ریشه‌های عمیق تاریخی و اجتماعی دارد. با این حال، اسلام و حقوق بین‌الملل چارچوب‌هایی قدرتمند ارائه می‌کنند که می‌تواند در مسیر برابری و عدالت برای همه انسان‌ها، صرف‌نظر از نژاد یا قومیت، نقش اساسی ایفا کند. دین مبین اسلام برای جلوگیری و زدودن این پدیده، سازوکارهای لازم را در منابع پویای خویش: (آیات، روایات و سیره) پیش‌بینی و بیان نموده است. چنانچه حقوق بین‌الملل و همتایان منطقه‌ای آن نیز به صورت گسترده این مهم را منعکس نموده است. تحقیق حاضر، بازتاب دهنده دیدگاه فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل از طریق بررسی این دو نظام حقوقی در جهت ممنوعیت «تبعیض» با این پیش فرض که اعمال هر نوع رفتار فردی، سازمانی و یا دولتی مبتنی بر تفوق یا نفرت نژادی و نیز تحریک به تبعیض نژادی و اعمال زور یا تحریک به زور علیه هر نژاد و یا گروه خاص بشری در جهت محروم نمودن آنان از برخورداری حقوق مسلم شان از مصادیق تبعیض نژادی بوده و ممنوع است. برای نیل به این هدف، تحقیق حاضر از منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیلی-توصیفی بهره برده و در پایان نیز به این نتیجه دست یافته که هم حقوق بین‌الملل و هم فقه اسلامی بر حفظ کرامت و عزت بشر و بر اجرای مساوات و عدالت و بهره‌مندی همه افراد از حقوق مدنی همچون؛ حق تابعیت و اقامتگاه، آموزش، دادرسی عادلانه ؛ و حقوق سیاسی همچون حق آزادی بیان، تأکید داشته است.

واژه‌های کلیدی: تبعیض نژادی، حقوق بین‌الملل، فقه اسلامی، حقوق بشر.

۱. استادیار گروه حقوق ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران(نویسنده مسئول) ، dr.shahramrahmani@pnu.ac.ir
۲. دانشیار گروه حقوق ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران jafariafshin@pnu.ac.ir

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

مقدمه

جوامع بشری، از دیرباز با ناهنجاری به نام «تبعیض نژادی» مواجه بوده و به عنوان یک سیستم غیر انسانی به اشکال مختلف (نظام غیرانسانی بردگی، فئودالیسم، و در قرون اخیر به صورت « ناسیونالیسم») حقوق بشر را پایمال کرده است.

هرچند در جهان معاصر، تبعیض نژادی و نژادپرستی را جزء رفتارهای خشونت بار علیه حقوق بشر به حساب می‌آورند، ولی به واسطه عواملی همچون: خودبینی و تکبر، تقلید و متابعت کورکورانه از پندارها و رسوم ضد بشری نیاکان، انواع تبعیض علیه برخی از افراد و گروه‌های دیگر بر حسب نژاد، رنگ پوست، دین، نسل یا ریشه و ملیّت آن ها اعمال می‌شود. همین مسأله باعث شده است مبارزه با آن به یکی از مسائل مهم و محوری در قوانین الهی از قدیم و نیز و قوانین موضوعه که قواعد خود را همسو با تحولات و نیازهای روز جهانی توسعه می‌دهد تبدیل شود.

در آموزه‌های مکتب اسلام، از یک سو با مسئله تبعیض در اشکال مختلف گفتاری و کرداری همچون آیات قرآن کریم (۱۳حجرات) و روایات و سیره پیشوایان دین برخورد جدی شده و از سوی دیگر دلیل بعضی از تفاوت‌های ظاهری (رنگ، پوست، زبان و نژاد) بین انسانها را سبب تبعیض و برتری ندانسته بلکه آن را علت شناخت از همدیگر و نشانه از قدرت پروردگار شمرده است.(سلیمی، ۱۳۹۴: ۲۰-۱)

همچنین به تبع آن فقه اسلامی به حفظ کرامت، عزت، حق آزادی، حق حیات، مساوات و عدالت در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی انسانها تأکید زیاد داشته - (اصل کرامت، اصل عزت، اصل احترام، اصل حرّیت) - و هیچ گونه ظلم، تعدّی به حقوق دیگران و نیز هتک حرمت و عزت و به مخاطره افتادن آزادی و حقوق آنها را نمی پذیرد. - (قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام) (قاعده نفی عسر و حرج) - تا جایی به این مسئله حساسیت نشان داده که هر گونه همکاری با ظالمان و متجاوزان به حقوق دیگران را نیز غیر مشروع می‌داند.(قاعده حرمت الإعانه علی الإثم والعدوان) - همچنین در حقوق بشر اسلامی و حقوق بین الملل بشر، تمامی حقوق شهروندی و شخصی انسانها - (حق تملیک، چه تملیک شخصی، و چه تملیک مشارکتی، حق توارث، حق ازدواج و دهها حقوق فردی و جمعی دیگر)- را در تمامی زاویه‌های زندگی فردی و جمعی مورد توجه و عنایت خاص قرار گرفته است.

در این مقاله سعی بر آن شده که مستندات این احکام و قواعد حقوقی را پژوهش نموده و در این راستا به این سوال اصلی پاسخ داده شود که « در فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل چه رویکردی نسبت به منع تبعیض در حقوقی همچون حق بر تابعیت و اقامتگاه، حق بر آموزش و حق بر دادرسی عادلانه وجود دارد؟»

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

۱- پیشینه تحقیق

منع تبعیض به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بشر، جایگاه مهمی در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله حقوق بین‌الملل و حقوق اسلامی دارد. پژوهش‌های متعددی در سال‌های اخیر به بررسی مبانی نظری، قلمرو و سازوکارهای منع تبعیض در این دو نظام پرداخته‌اند و تلاش کرده‌اند میزان هم‌سویی یا تعارض آن‌ها را در تضمین حقوق بنیادین انسان‌ها تحلیل نمایند. بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که هرچند اسلام و حقوق بین‌الملل از حیث مبانی فلسفی و معرفتی تفاوت‌هایی دارند، اما در اصل نفی تبعیض ناروا و حمایت از کرامت انسانی اشتراکات قابل‌توجهی میان آن‌ها وجود دارد.

در حوزه حقوق بین‌الملل، منع تبعیض به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام بین‌المللی حقوق بشر پس از جنگ جهانی دوم تثبیت شده است. بسیاری از نویسندگان، منشور ملل متحد را نقطه آغاز الزام‌آور شدن اصل منع تبعیض در سطح جهانی می‌دانند؛ به‌ویژه آنکه در مواد ۱ و ۵۵ منشور، بر ترویج احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب تأکید شده است. پس از آن، اعلامیه جهانی حقوق بشر با تصریح بر برابری ذاتی انسان‌ها در ماده ۱ و منع تبعیض در ماده ۲، و همچنین سایر اسناد بین المللی شالوده نظری و هنجاری این اصل را تحکیم کرده است.

در مقابل، در حوزه مطالعات اسلامی، پیشینه تحقیق بیانگر آن است که اصل برابری انسان‌ها و منع تبعیض ناروا، ریشه‌ای عمیق در متون دینی اسلام دارد. بسیاری از پژوهشگران با استناد به سیره پیامبر اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع) و آیات قرآن کریم، از جمله آیه ۱۳ سوره حجرات، تأکید می‌کنند که اسلام هرگونه برتری مبتنی بر نژاد، قومیت، جنسیت یا موقعیت اجتماعی را نفی کرده و تقوا و فضیلت اخلاقی را تنها معیار ارزش‌گذاری انسان‌ها معرفی می‌کند. همچنین آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» مبنای مهمی برای شناسایی کرامت ذاتی انسان و منع تبعیض در حقوق بنیادین به شمار می‌رود. افزون بر این، پژوهش‌های تطبیقی در فقه اسلامی نشان می‌دهد که حقوق بنیادینی همچون حق حیات، حق مالکیت، حق امنیت قضایی و حق کرامت انسانی، برای همه افراد جامعه، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، به رسمیت شناخته شده است.

در مجموع، بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که هم اسلام و هم حقوق بین‌الملل، اصل منع تبعیض در برخی حقوق بنیادین را به‌عنوان یک اصل اساسی پذیرفته‌اند و هر یک در چارچوب مبانی خاص خود به حمایت از کرامت انسانی پرداخته‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره شده است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

۱-۱. پیشینه فارسی

۱- هاشمی (۱۳۹۰) با تحلیل اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی نشان می‌دهد که اصل برابری و منع تبعیض در نظام حقوقی ایران ریشه در فقه اسلامی دارد. این پژوهش به تفصیل مقررات مربوط به حقوق برابر را در ساحت‌های مختلف از جمله حقوق شهروندی، حقوق خانوادگی و حقوق کار بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که منع تبعیض در اصول قانون اساسی ایران به تلاش برای پاسداری از کرامت انسانی و انسجام اجتماعی منبعث از اصول فقهی است. تحلیل مقایسه‌ای با منابع حقوقی بین‌الملل در این پژوهش، نشان می‌دهد که گرچه مبانی فقهی و حقوقی متفاوت است، اما نتایج عملی منع تبعیض و احترام به کرامت انسانی همواره مطلوب مشترک دو نظام است.

۲- قربانی (۱۳۹۴) با رویکرد تطبیقی بیان می‌کند که اگرچه اسلام و اسناد بین‌المللی در اصل منع تبعیض مشترک‌اند، اما در تعیین مصادیق تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. این پژوهش به بررسی مصادیق تبعیض از منظر جنسیت، قومیت و مذهب پرداخته و نشان می‌دهد که الگوی تفسیرهای اسلامی از منابع مقدس می‌تواند در کنار سازوکارهای بین‌المللی، به توضیح و تبیین نوین مفاهیم تبعیض کمک کند. همچنین بر لزوم درنظرگیری بافت‌های فرهنگی و اجتماعی در فرآیند تنظیم حقوقی تأکید دارد تا از تعارض‌های اجرایی پرهیز شود.

۳- فلاح‌نژاد (۱۳۹۶) کرامت ذاتی انسان را مبنای فقهی منع تبعیض می‌داند. این مطالعه کرامت انسانی را به عنوان محور استدلال‌های فقهی و اصولی مطرح کرده و نشان می‌دهد که مبانی اخلاقی و حقوقی اسلام، به‌ویژه مفهوم کرامت ذاتی انسان، می‌تواند به بازتعریف و گسترش چارچوب‌های منع تبعیض در حوزه‌های مختلف حقوقی منجر شود. با توجه به مبنای فقهی، پژوهش به بررسی پویایی حقوق فردی و اجتماعی به شیوه‌ای می‌پردازد که از تبدیل تبعیض به عدالت اجتماعی حمایت می‌کند.

۴- زارعی (۱۳۹۸) امکان همگرایی اسلام و حقوق بین‌الملل بشر را از طریق تفسیر مقاصدی تأیید می‌کند. این پژوهش به نقش تفسیر مقاصدی در همگرایی بین دو نظام حقوقی می‌پردازد و نشان می‌دهد که با استفاده از رویکردهای برداشت مقاصدی، می‌توان تبعیض‌های ویژه را در چارچوب اسلام قرائت و در عین حال با الزامات حقوق بین‌الملل بشر سازگار کرد. این رویکرد به ویژه در زمینه حقوق زنان و اقلیت‌ها و قشرهای آسیب‌پذیر اهمیت دارد.

۵- نادری (۱۴۰۰) نشان می‌دهد که اسلام عدالت جنسیتی را می‌پذیرد اما با برابری مطلق اسناد بین‌المللی تفاوت دارد. پژوهش مذکور با بررسی متون فقهی و متون بین‌المللی، نشان می‌دهد که اسلام،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

اگرچه بر عدالت جنسیتی تأکید دارد، اما در برخی موارد به تفاوت‌های ساختاری یا اجرایی با معیارهای غربی می‌رسد. نویسنده پیشنهاد می‌کند که ساختارهای تفسیر و اجرای اسلامی با در نظر گرفتن اصول عدالت و کرامت انسانی، می‌توانند به همگرایی‌های عملی منجر شوند.

۱-۲. پیشینه غیرفارسی

۱- بادرین[1] (۲۰۰۳) معتقد است تعارض بنیادینی میان حقوق بشر و حقوق اسلامی وجود ندارد و تفسیر مقاصدی می‌تواند اصل منع تبعیض را تقویت کند. این پژوهش بر لزوم گفت‌وگوی بین‌المللی و میان‌فرهنگی برای بالا بردن کارآمدی اصول حقوق بشر و تطبیق آن با آموزه‌های اسلامی تأکید دارد. نویسنده با بازنگری متون فقهی و حقوقی، نشان می‌دهد که تفسیرهای مقاصدی می‌توانند مبنای جامع‌تری برای منع تبعیض ارائه دهند.

۲- ان‌نعیم[2] (۲۰۰۸) بازخوانی انتقادی فقه سنتی را برای تحقق منع تبعیض ضروری می‌داند. این پژوهش به نقد فقه سنتی و پیشنهاد راهکارهایی برای بازنگری فقه اسلامی با رویکردهای حقوق بشری می‌پردازد و معتقد است که درون‌مایه‌های فقهی قابلیت تحول و تطبیق با الزامات حقوق بشر را دارند. در نتیجه، اصلاح فقه برای منع تبعیض به‌وسیله تفسیرهای نوین ضروری است.

۳- دانلی[3] (۲۰۱۳) اصل منع تبعیض را هسته مرکزی حقوق بشر و نظریه‌های حقوقی معرفی می‌کند. این کتاب بر اهمیت اصولی و عملی منع تبعیض در حقوق بشر تأکید دارد و از منظرهای حقوقی بین‌الملل، کارکردهای ضمانت‌های ضد تبعیض را بررسی می‌کند. پژوهش دانلی به‌عنوان یکی از منابع بنیادین، مبانی نظری و تاریخی منع تبعیض را در چارچوب جهانی تبیین می‌کند.

۴- مایر[4] (۲۰۱۳) ریشه بسیاری از تبعیض‌ها را سیاسی می‌داند نه دینی. این پژوهش با تحلیل عوامل سیاسی-اجتماعی زمینه‌ساز تبعیض را بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که تبعیض اغلب نتیجه منافع سیاسی است و با در نظر داشتن روش‌های تفسیر حقوقی می‌توان از تشدید تبعیض جلوگیری کرد.

۵- برمز[5] (۲۰۰۱) بر گفت‌وگوی بین‌فرهنگی تأکید دارد. این پژوهش به اهمیت گفت‌وگوی میان فرهنگی برای تحقق حقوق بشر در جوامع با پس‌زمینه‌های دشوار می‌پردازد و معتقد است که از طریق

1. Baderin
2. An-Na'im
3. Donnelly
4. Mayer
5. Brems

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

گفت‌وگوی سازنده، می‌توان تفاوت‌های فرهنگی را به فرصت‌های همگرایی و کاهش تبعیض تبدیل کرد.

۶- تفسیر عمومی شماره ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، منع تبعیض را اصلی عام و الزام‌آور معرفی می‌کند. این متن از سازمان ملل متحد، به نقش عمومی حقوق بشر و این‌که منع تبعیض به عنوان اصل فراگیر و لازم‌الاجرا در سطح بین‌المللی مطرح است، تأکید دارد و از طیف گسترده‌ای از مصادیق تبعیض حمایت می‌کند.

با بررسی و با توجه به پیشینه‌های فوق، مطالعات پیشین نشان می‌دهد که اشتراک اسلام و حقوق بین‌الملل در نفی تبعیض قابل توجه است و اختلاف‌ها بیشتر تفسیری و اجرایی‌اند. این امر ضرورت پژوهش حاضر را در تحلیل تطبیقی و ارائه راهکارهای هم‌گرایانه توجیه می‌کند. به علاوه، با توجه به رویکردهای مقاصدی و تفسیرهای نو، می‌توان از ظرفیت‌های مصالح مشترک برای تقویت نهادهای حقوقی داخلی و بین‌المللی استفاده کرد. با در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و فقهی و به کارگیری ابزارهای تفسیر کارآمد، می‌توان به تعریف دقیق‌تر و اجرایی‌تر تبعیض و شیوه‌های مقابله با آن دست یافت که در این تحقیق به مواردی همچون؛ حق بر تابعیت، حق بر آزادی بیان، حق بر دادرسی عادلانه و امثالهم می‌پردازیم.

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۲- مبانی و چارچوب نظری

۲-۱. مبانی نظری منع تبعیض در حقوق بین‌الملل

اصل منع تبعیض از اصول بنیادین نظام بین‌المللی حقوق بشر است که پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه از طریق منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر نهادینه شد. اسناد بعدیِ الزام‌آور مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و تفاسیر کمیته حقوق بشر، بر ضرورت برخورداری همه افراد از حقوق مندرج در این متون بدون هرگونه تبعیض تأکید دارند. از منظر نظری، این رویکرد مبتنی بر دو پیش‌فرض است: ۱) جهان‌شمولیِ حقوق بشر و ۲) کرامت ذاتیِ انسان به‌عنوان مبنای حقوقیِ برابرِ افراد. در عین حال، نقدهایی از سوی نظریه‌های نسبی‌گرایی فرهنگی مطرح شده که تطبیق معیارهای بین‌المللی با زمینه‌های فرهنگی-دینی متفاوت را مسئله‌مند می‌سازد.

۲-۲. مبانی نظری منع تبعیض در اسلام

در تعالیم اسلامی نیز مفاهیمی چون کرامت انسانی، عدالت و مساوات جایگاه محوری دارند. قرآن

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

کریم کرامت انسان را امری الهی می‌داند («وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»، اسراء: ۷۰) و معیار برتری را تقوا معرفی می‌کند (حجرات: ۱۳). از نظر فقهی و سیره نبوی نیز دلالت‌های متعددی بر نفی تبعیض ناروا وجود دارد؛ به‌ویژه در حوزه‌های مربوط به حقوق اولیه افراد، قواعد شهروندی و حقوق اقلیت‌ها. مطالعات معاصر نشان می‌دهد که با رویکردهای اجتهادی و تفسیری می‌توان اصول اسلامی را در جهت همساز شدن بیشتر با استانداردهای بین‌المللی تبیین کرد.

۲-۳. روش تحقیق

این پژوهش از رویکرد توصیفی-تحلیلی همراه با ترکیبی از شیوه تطبیقی-تحلیلی انجام شده است. مطابق این چارچوب، اسلام و حقوق بین‌الملل هر دو منع تبعیض را به‌عنوان یک ارزشِ بنیادین تأیید می‌کنند، اما اشتراکات ارزشی مانند عدالت و کرامت باعث هم‌پوشانی نظری نسبتاً بالایی شده و اختلافات عمده در سطح تفسیر، قلمروِ کاربرد و سازوکارهای اجرایی قرار دارد و به همین دلیل است که امکان تقویت همگرایی از طریق تفاسیر اجتهادی و سازوکارهای تطبیقی وجود دارد.

۳- منع تبعیض بر حق تابعیت و اقامتگاه

یکی از مباحث پراهمیت در حقوق بین‌الملل خصوصی، بحث داشتن تابعیت و نوع ارتباط و پیوند افراد با دولت است که خود فی نفسه موجد آثار حقوقی فراوان می‌گردد.

هرچند «تابعیت» مصطلح در حقوق عرفی در یکی دو سده پسین همزاد با پیدایش حقوق بین‌الملل، یعنی پدیده مرز و تقسیم سیاسی کره زمین و وجود دولتهای متعدد و مستقل در دو طرف مرزها است پیدا شده و متناسب با عواملی چون: نوع حاکمیتها، نوع رابطه دولتها با مردم و نیز جایگاه مردم در دولتها، دچار تغییر و تحول فزاینده بوده و هرازگاهی بدین سو فربه تر از قبل شده است؛ ولی رابطه و پیوند مردم با نهاد حکومتی از دیرباز در ادوار مختلفی از تاریخ بشر مطرح بوده است. جوامع مختلف برای شناخت خودی از بیگانه معیارهای خاصی داشته‌اند. بررسی تاریخ حقوق نشان می‌دهد که عواملی چون: «بومی بودن»، «قوم» «اقامتگاه»، «پیروی از دین و آیین رسمی و «فرمانبرداری از فرمانروا» در برهه‌هایی از تاریخ به عنوان معیارهای تابعیت و تشخیص خودی از بیگانه مطرح بوده‌اند.

«بومی » بودن در شهرهای کوچک و «قوم» در سرزمین‌های بزرگ و تک قومی که به صورت «دولت-کشور» توسط فرمانروایانی از همان قوم اداره می‌شده و بقیه عوامل در سرزمین‌های چند قومی که به صورت «دولت-کشور» اداره می‌شده است معیاری برای «تابعیت» بوده‌اند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

و نیز از پیوند و ارتباط مردم با حاکمیت و نیز عنصر مردم در حاکمیت، در دوره‌های مختلف، متناسب با نوع دولتها و نیز جایگاه فرد در دولتها با نامها و عناوین مختلف یاد شده است. در ایام باستان، نظام‌های فئودالی، سلطنت‌های مطلقه و حکومتهای استبدادی از عنصر انسانی دولت به «رعایا» یاد می‌شده است؛ ولی پس از انقلاب رنسانس و اوج‌گیری مفکوره‌های آزدی‌خواهانه و اصالت فرد «ملت» جایگزین رعایا شده و از این پیوند به «ملیت» و «شهروندی» یاد می‌شد.(دانش پژوه، ۱۳۸۱: ۱۹)

در حقوق بین‌الملل و همچنین ادیان آسمانی همچون اسلام در باب تابعیت و اقامتگاه مباحثی مطرح شده که همگی در چارچوب حقوق بشر قرار گرفته‌اند، چراکه یکی از حقوق ذاتی و بنیادین بشر، حق بر تابعیت و اقامتگاه می‌باشد که در ادامه به این مباحث می‌پردازیم.

۳-۱. منع تبعیض بر حق تابعیت و اقامتگاه از منظر حقوق بین‌الملل

حق بر تابعیت و اقامتگاه از جمله حقوقی هستند که هم در اسناد داخلی کشورها و هم در اسناد بین المللی و همچنین فقهی-حقوقی به آنها پرداخته شده است. اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و فقهی متعددی همچون کنوانسیون ۱۹۵۵ لاهه در مورد وضعیت افراد بی‌تابعیت، اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰، کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ وجود دارند که به طور خاص به حق اقامتگاه و تابعیت و ممنوعیت تبعیض در این زمینه‌ها می‌پردازند. این اسناد بین‌المللی به عنوان چارچوبی برای کشورهای عضو عمل می‌کنند تا از حق اقامتگاه و تابعیت برای همه افراد، بدون هیچ گونه تبعیض، محافظت کنند. در ادامه برخی از مهم‌ترین آنها را بررسی می‌کنیم.

۳-۱-۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر، اولین و شاید بتوان اذعان نمود، از حیث جهان شمولی مهمترین سند است که درباره‌ی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد، در تاریخ ۱۰دسامبر ۱۹۴۸میلادی، به تصویب اعضای مجمع عمومی سازمان ملل رسیده و در یک مقدمه و ۳۰ ماده تنظیم یافته است.

هرچند دلایلی همچون؛ عدم ارئه تعریف روشن از عناوین حقوق بشر، تشریح نشدن مواد، نداشتن شیوه‌های اجرایی، عدم پیش‌بینی مکانیزم مشخص برای ضمانت اجرا و الزام دولتهای مخاطب و حتی حذف عامدانه مضمون دال بر ضمانت اجرا از سوی کمیسیون حقوق بشر؛ این سند بین‌المللی را ابتداناً از نظر ماهوی فاقد زیربنای تعهد و الزام آوری نموده بود؛ با این همه، چون حاوی اصول عمومی حقوق

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

بین‌الملل بوده و دولتها نیز آنرا در مجمع عمومی تصویب نموده‌اند؛ لذا امروزه در زمره حقوق بین‌الملل عرفی و الزام‌آور تلقی شده و از دیرباز بدین سو مورد عنایت پژوهشگران بوده و یکی از منابع این تحقیق نیز محسوب می‌گردد.

مسئله «منع تبعیض نژادی» به طور کلی، در ماده ۱و ۲ این اعلامیه، به نوعی منعکس شده است. هرچند ماده اول، به موضوع فوق صراحتاً نپرداخته است؛ ولی با توجه به این دیدگاه که، «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند، همه دارای عقل هستند و باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند» و همچنین طبق ماده ۱۶، به صراحت حق داشتن تابعیت و ممنوعیت تبعیض در این زمینه را تضمین می‌کند. این ماده بیان می‌کند:

«هر فردی حق دارد که از آزادی و امنیت شخصی خود در برابر هر گونه مداخله یا تهدید، هر گونه تبعیض، به ویژه از نظر نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر نوع دیگر، اصل یا وضعیت اجتماعی، ثروت، تولد یا هر وضعیت دیگر محافظت شود». در این ماده، «تبعیض» به طور خاص به مواردی مانند نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و وضعیت اجتماعی اشاره دارد. این فهرست شامل معیارهایی است که بر اساس آنها تبعیض در حق اقامتگاه و تابعیت ممنوع است.

بنابراین، اعلامیه جهانی حقوق بشر به طور واضح و صریح، حق داشتن تابعیت و ممنوعیت تبعیض در این زمینه را به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بشر به رسمیت می‌شناسد.

۳-۱-۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی

سازمان کنفرانس اسلامی یک سازمان بین‌المللی است که در سال ۱۹۶۹ تأسیس شد و هدف آن ترویج و حفاظت از منافع و حقوق مسلمانان در سراسر جهان است. این سازمان شامل ۵۷ کشور عضو است که اکثریت آنها کشورهای مسلمان هستند و در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصاد، فرهنگ، آموزش، علوم، و حقوق بشر فعالیت می‌کند. یکی از اسناد مهم صادره از سوی این سازمان، اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی است.

اعلامیه حقوق بشر اسلامی، سندی است که اصول و ارزش‌های حقوق بشری را از دیدگاه اسلامی تدوین و معرفی کرده است. این اعلامیه، به دنبال هماهنگی بین مفاهیم حقوق بشری جهانی و آموزه‌های اسلامی بوده و حقوق بشر را به عنوان هدیه‌ای الهی و بخشی از طبیعت ذاتی انسان مورد تأکید قرار داده است.

در این سند بین‌المللی، حق تابعیت به طور مستقیم و صریح مورد بحث قرار نگرفته اما در بخش مربوط به حقوق فردی، بر «حقوق ذاتی و غیر قابل سلب انسان» تأکید دارد. این حقوق شامل کرامت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

انسانی، حق زندگی، آزادی، و امنیت شخصی می‌شود لذا حق داشتن تابعیت می‌تواند به عنوان بخشی از حق امنیت و آزادی شخصی در نظر گرفته شود.

همچنین، اعلامیه بر «برابری در مقابل قانون» و «حقوق اقلیت‌ها» تأکید دارد. این مفاهیم می‌توانند به معنای تضمین حقوق اقلیت‌ها در جامعه، از جمله حق داشتن تابعیت و اقامت، تفسیر شوند، چراکه در اسلام، مفهوم «عدل» و «برابری» در کنار احترام به حقوق بشر، از اصول اساسی بوده و قرآن کریم بر اهمیت عدالت و برابری در میان مردم تأکید داشته و این امر شامل حق داشتن تابعیت و اقامت برای همه انسان‌ها، بدون تبعیض، می‌شود.

بنابراین، اگرچه اعلامیه حقوق بشر اسلامی مستقیماً به حق تابعیت اشاره نکرده است، اما اصول و مفاهیم آن می‌توانند به عنوان چارچوبی برای درک و تضمین این حق در جامعه اسلامی عمل کنند.

۳-۱-۳. اعلامیه سازمان ملل درباره حقوق مردمان بومی

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۳سپتامبر ۲۰۰۷ این اعلامیه را با ۴۶ ماده تصویب کرد. این اعلامیه نماینده گسترش پویای هنجارهای حقوقی بین‌المللی بوده وگویای التزام دولتهای عضو ملل متحد برای نیل به استانداردی مهم برای برخورد با افراد بومی توصیف شده که بدون تردید ابزاری کارآمد جهت حذف موارد نقض حقوق بشری است و به آنها جهت مبارزه با تبعیض کمک می‌کند. در مقدمه‌ی اعلامیه مزبور آمده:

«این اعلامیه به پیروی از اهداف و اصول منشور ملل متحد و با تایید اینکه مردمان بومی با همه مردمان دیگر برابر و یکسان هستند، در عین به رسمیت شناختن حق همه مردمان برای اینکه متفاوت باشند، بر ایجاد روابط هماهنگ و مبتنی بر همکاری بین کشور مربوطه و مرمان بومی، بر مبنای عدالت، مردم سالاری، احترام به حقوق بشر، عدم تبعیض و حسن نیت تأکید دارد.

به نظر می‌رسد که این اعلامیه از تذکر داشتن حق «تابعیت» برای افراد بومی بی‌نیاز است؛ زیرا افراد بومی در هر کشوری از ساکنان اصلی آن هستند؛ ولی بازهم در ماده ۱۲به این مهم تصریح شده است. و نیز هرچند واژه «اقامتگاه» نیز در این اعلامیه تصریح نشده است؛ ولی واژگانی چون: «خاستگاه و ملیت» مشعر به این مفهوم هستند که در این اعلامیه آمده است. همچنین در ماده ۶ این اعلامیه نیز به داشتن حق ملیت برای افراد بومی تصریح شده و آمده است: «هر فرد بومی حق دارد ملیتی داشته باشد».

۳-۱-۴. کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی

کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی، متشکل از یک مقدمه نسبتاً طولانی و ۲۵ماده در

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

۲۱دسامبر ۱۹۶۵میلادی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به تصویب رسیده و براساس آن، دولت‌های عضو متعهد شدند که اقداماتی را جهت رفع هرگونه تبعیض نژادی، انجام دهند. این کنوانسیون واضح‌ترین و جامع‌ترین معاهده برای بیان اندیشه برابری نژادها توصیف شده است.(مهرپور، ۱۳۸۳: ۸۵)

در مقدمه این کنوانسیون به مفاد تمامی اسناد بین‌المللی اعم از: منشور، اعلامیه‌ها، کنوانسیون‌ها، قطعنامه‌هایی که تصریح بر رعایت حقوق بشر برای همه افراد بدون هیچگونه تمایزی از حیث نژاد، جنسیت، زبان و یا مذهب و برابری همه افراد از جهت شأن و حقوق بدون هیچ تمایزی از لحاظ نژاد، رنگ و ریشه ملیت داشته، صحه گذاشته شده و در بند ۲ از ماده ۱ با جرم انگاری از پدیده آپارتاید(تبعیض نژادی) مرتکبین آن را مجرم دانسته است:

«کشورهای طرف این کنوانسیون، سازمانها، مؤسسات و افرادی که مرتکب جنایت آپارتایدگردیدند را مجرم اعلام می‌دارند».

از نظر این کنوانسیون واژه «جنایت آپارتاید» که سیاستها و رویه‌های مشابه جدایی‌نژادی و تبعیض نژادی را که در آفریقای جنوبی اعمال می‌گردد، شامل می‌شود، به دیگر اعمال غیر انسانی که به منظور ایجاد و برقراری سلطه یک گروه نژادی بر گروه نژادی دیگر انجام می‌گردد و به طور سیستماتیک آنان را مورد ظلم قرار می‌دهد نیز اطلاق می‌گردد.

۳-۲. منع تبعیض بر حق تابعیت از منظر اسلام

ملاک در کسب «تابعیت» از منظر اسلام منحصر به دو عنصر «ایمان» و «پیمان» است. یعنی با داشتن یکی از این دو ملاک، شخص عضو «دولت» اسلامی بوده و الا بیگانه خوانده می‌شود. تقسیم و مرزبندی بین انسانها از منظر قرآن کریم از روی باور و عقیده است نه بر حسب نژاد و عشیره. قرآن کریم انسانها را بر اساس اعتقادات و باورهایشان سه گروه تقسیم می‌کند:

الف) پرهیزکاران: گروهی اند که به اسلام و فرامین آن ایمان دارند.

ب) کافران: گروهی هستند که به کفر خود اعتراف دارند و از هیچ نوع گفتار و رفتار خصمانه در برابر اسلام پروا ندارند.

ج) منافقان: کسانی هستندکه به دروغ ادعای «ایمان» می‌نمایند.

فقه اسلامی، از حیث تئوری، با تبعیض نژادی در حق تابعیت مبارزه نموده است؛ زیرا تحلیل محتوا از عناصر تشکیل دهنده نظام سیاسی از منظر فقه اسلامی، نشان داده که نوع نگرش فقه، به ماهیت این

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

عناصر نسبت به «اصل منع تبعیض نژادی» جانب‌دارانه است؛ زیرا مرزهای عرفی از منظر فقه اسلامی بی اعتبار و مرز کشور اسلامی عقیده است نه جغرافیا. در این نگرش همه زمین و مواهب آن از آن خداست که برای همه بشر قرار داده است. از دید فقها، زمین به دو بخش کلی «دارالاسلام و دارالکفر» تقسیم شده و جامعه و مردم بدون اعتناء به حیثیت نژادی آنان «ملت واحد» هستند. اختلافات در میان مردم از حیث «ملیت» و گرویدن آنان به ادیان غیرتوحیدی و یا به امم توحیدی منسوخ نیز جنبه عارضی و فرعی داشته که از سوء انتخاب آنان نشأت می‌گیرد زیرا همه مردم تحت حاکمیت خداوند فطرتاً مسلمان به دنیا می‌آیند و اگر بر اثر عوامل بیرونی انتخاب سوء نداشتند همه تبعه اسلام بوده و تحت لوای حاکمیت الهی از عدل و مساوات حکومت اسلامی به طور یکسان بهره‌مند می‌شدند. با این همه نیز، اسلام در یک روش کاملاً تسهیل‌گرایانه، به عنصر «پیمان» برای کسب «تابعیت» همانند عنصر «ایمان» اعتبار بخشیده و آن‌را در داشتن تابعیت و بهره‌مندی از آثار و امتیازات آن کافی دانسته است. از همه مهمتر اینکه این دو عنصر، هردو بر مبنای اراده و اختیار فرد استوار است. و عناصر غیر ارادی چون: نژاد، تبار، ژن، خون، قومیت، تاریخ، زبان، سرزمین و حتی محل اقامت هیچگونه تأثیری در داشتن تابعیت و بهره‌مندی از آثار و امتیازات آن ندارند، نه در تشکیل «امت مسلمان» و نه در تشکل «ملت» یعنی جامعه سیاسی اسلام.(عظیمی شوشتری، ۱۳۹۲: ۱۱۱) بنابراین «ایمان» و «پیمان» دو معیار اصلی و اساسی تابعیت در اسلام است. و دو اصل خون و خاک، فقط از حیث اماره تابعیت و ملیت، نه بنیاد و اساس آن به عنوان سیستم مختلط در نظام حقوقی اسلام مورد عنایت واقع شده‌اند.(صاحب الجواهر، ۱۴۳۲ق.،ج۶: ۶۰۴)

فقه اسلام، در عمل نیز با پدیده شوم «تبعیض نژادی» مبارزه کرده است. بیان شیوا و رسای قرآن کریم در اعلان اشتراک و همسانی بشر در پدر و مادر و تصریح به اینکه «تقوا» تنها معیار برتری انسانها است. (دانش‌پژوه، ۱۳۸۱: ۱۳۸) و نیز نهی از استهزاء و مسخره کردن و لقب زشت دادن به نژاد و ملیتهای دیگر، لغو هرگونه امتیاز نژادی در مناسک حج، از سوی این کتاب مقدس، در همین راستا توجیه پذیر هستند.

کنگره همگانی حج نیز یکی از مراسم عبادی جمعی در اسلام است و در آن همه مسلمانان بدون اعتناء به نژاد، رنگ و حتی تعلقات فرهنگی متعلق به قبیله و طایفه با جامه نادوخته و یک‌رنگ، دوشادوش هم برای انجام مناسک حج هم‌زمان جمع می‌شوند.(طبری، ۱۴۱۲ق.: ۲۳۰) خداوند متعال در قرآن کریم، این عمل نژاد پرستان را نکوهیده و منع کرده و بر گردهمایی و هم‌رنگی بندگانش در صحرای عرفات مباهات نموده است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

این مورد و ده‌ها مورد دیگر مبارزه عملی است برای زدودن نژادگرایی در عصر جاهلی که از آیات قرآن استفاده می‌شود.

پیامبر اسلام(ص) نیز در همین راستا در میان انبوه جمعیت گردآمده در حجه الوداع، خطبه‌ای درباره برابری آحاد جامعه و اشتراک و برابری آنان در داشتن خدای واحد و پدر واحد و نفی صریح تمامی معیارهای مبتنی بر نژاد، زبان و رنگ پوست خواند. همچنان که ایشان در مقابل کسانی که به نوعی بلال حبشی، سلمان فارسی و صهیب رومی را اجنبی خوانده بودند برخوردی از سر خشم داشتند. (مستفیدوغفاری، ۱۳۷۲: ۵)

۳-۳. افتراقات و اشتراکات اسلام و نظام حقوقی بین‌المللی در باب تابعیت

درخصوص حق بر تابعیت و اقامتگاه، نظام حقوق اسلامی اشتراکات و نیز افتراقات چندی با نظام حقوقی بین‌المللی دارد. این دو نظام در اقسام و انواع تابعیت اشتراک دارند. بدین معنا که تمامی اقسام تابعیت که به همت حقوقدانان برای حقوق عرفی تعیین، احصا و تبیین شده است به نوعی در نظام حقوق اسلامی نیز مشهود است.

از تفاوتهای جوهری دو نظام فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل نسبت به حق تابعیت، نوع و کیفیت بهره‌مندی اشخاص از این حق هستند. که اسلام هم به عنصر تشکیل دهنده حاکمیت و هم در شرط اعطای تابعیت یک روش کاملا تسهیل مدارانه را لحاظ نموده است.

دو نوع «تابعیت اصلی و اکتسابی» بیش از همه در نظام فقه اسلامی کاربرد دارند؛ زیرا «تابعیت» افراد در نظام سیاسی اسلام یا بر محور پذیرش اسلام و یا بر محور انعقاد پیمان شکل می‌گیرد. «اصل منع تبعیض نژادی» در نحوه اعطای این دو نوع «تابعیت» به افراد، در نظام فقه اسلامی به مراتب بهتر از نظام حقوق عرفی لحاظ شده است.

کسب تابعیت از نوع «اصلی»، در نظام حقوق اسلام، نسبت به نظام حقوق عرفی به صورتی بسیار ساده و بدون هزینه و تشریفات خاص، حتی بی نیاز از جلب موافقت دولت اسلامی ، و نیز در گستره زمین امکان پذیر است.(بوازار، ۱۳۶۲: ۱۰۶) یعنی که اگر شخصی در دارالاسلام نبوده و در دارالکفر مقیم باشد نیز می‌تواند با گفتن شهادتین از این نوع تابعیت بهره‌مند گردد.(طوسی، ۱۳۸۷،ج۲: ۲۵) زیرا «ایمان» تنها شرط برای تحقق و یا کسب «تابعیت اصلی» است که همه افراد بشر بدون اعتناء به نژاد، رنگ و تبار می‌توانند بدون طی نمودن هرگونه تشریفات اداری و حتی موافقت دولت، فقط با پذیرش

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

اسلام مستقیما از آن بهره‌مند باشند. دولت اسلامی، هم در اعطاء و هم در سلب این نوع تابعیت هیچ گونه نقشی نداشته و موظف به حمایت همه مسلمانان در همه جای دنیا است. حال آنکه مبنای تابعیت در نظام حقوق عرفی، چون یک رابطه حقوقی، سیاسی و معنوی بین فرد و دولت است که محدوده آن را نیز مرزهای جعرافیایی قراردادی تعیین می‌کنند؛ لذا از اراده و اقتدار دولتها ناشی شده و اراده افراد در این باره چندان تعیین کننده نیست و بهرمندی از این نوع تابعیت در همه کشورها بر اعتبار خون و نژاد یا دست‌کم عنصر سرزمین تعریف شده است.(عامری و پارسامنش، ۱۳۹۳: ۱۳۰-۱۰۷)

طرح تقاضای اعطای تابعیت، در نظام حقوق عرفی از سوی افراد بوده و چه بسا با موانع متعدد از جمله مسئله نژادی و خونی مواجه گردد؛ حال آنکه در نظام حقوق اسلامی، اعطای تابعیت از سوی دولت و دستگاه حکومتی طرح و چه بسا افراد تشویق به اخذ تابعیت اسلامی می‌شوند و اعطای تابعیت برای افراد مختلف از نژادهای مختلف بدون هیچ مئونه، هزینه و تشریفات خاص اداری ممکن و میسر است.

هرچند کسب تابعیت، در نظام حقوق عرفی با اراده فرد آغاز می‌شود و از این حیث می‌توان آن را تابعیت ارادی نامید، ولی موافقت دولت در اعطا و استمرار آن شرط است؛ ولی در نظام حقوق اسلامی کاملا مبتنی بر اراده فرد متقاضی است. زیرا برای اخذ تابعیت «اصلی» که مبتنی بر پذیرش اسلام است نه تنها موافقت دولت اسلامی شرط نیست بلکه پذیرش فرد تازه مسلمان وظیفه دولت اسلامی است. در تابعیت «اکتسابی» که مبتنی بر «پیمان ذمه» است هرچند موافقت دولت اسلامی، به عنوان یک طرف دیگر قرارداد لازم است؛ اما دولت اسلامی برخلاف نظام‌های مبتنی بر حقوق عرفی در پذیرش تقاضای شخص، آزادی کامل نداشته بلکه مکلف به پذیرش است. اضافه برآن، بنا به نظر مشهور چنین پیمانی از جانب اهل ذمه جایز بوده و از سوی دولت اسلامی لازم است.(حلی، ۱۳۸۷: ۲۷۶)

از همه مهمتر، اسلام در تمامی مراحل کسب و اعطاء تابعیت و الزامات آن، با تمامی مظاهر تبعیض به صورت تئوری و عملی مبارزه نموده است؛ زیرا اسلام به تعلقاتی چون: نژاد، تبار، رنگ، زبان، تاریخ و حتی جغرافیا اعتنا نکرده و فقط عنصر «ایمان» به عنوان عامل اولی و اساسی و «پیمان»، به عنوان عامل ثانوی و فرعی در اخذ تابعیت کافی دانسته است. حال آنکه حقوق عرفی مخصوصاً در جهان معاصر اخذ تابعیت را مبتنی بر پایه عوامل غیر ارادی چون: نژاد، تبار، رنگ، تاریخ و سرزمین می‌داند.

۴- منع تبعیض بر حق آموزش

حق بر آموزش در زمره حقوقی است که اهمیت بنیادین آن کمتر مورد عنایت قرار گرفته است. این حق به

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

عنوان جاعل و سازنده بنیان درک و فهم بشری و مجرای تحقق و تعین حقوق معنوی دیگر (استوار بر روان انسانی) از جمله آزادی مذهب، اندیشه و بیان، از جایگاهی بسیار بلند در میان سایر حقوق بشری منتفع است. با عنایت به موارد مختلفی از اسناد حقوق بین‌الملل معاصر همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، این حق دست کم در سطوح ابتدایی و شاید عالی واجد وصف آمرانه دانسته شده است. کمااینکه تصور این حق فارغ از الزامات حقوق بشری امری ناممکن است. همه فلاسفه و اندیشمندان حوزه حقوق، جوهر و فصل ممیز انسان را همانند هگل و ارسطو عقل می‌دانند.(حکیمی، ۱۳۸۱: ۷۹) و یا همانند هیوم امیال وغرایض و یا مانند فروید احساس و هیجانات می‌دانند، اما علمای حقوق در عرصه بین‌المللی معتقد به ضرورت آموزش نوع بشر به هدف رسیدن و نیل به کمال خردورزی و اندیشه‌اند.

«منع تبعیض در حق آموزش» عنوانی عام است که شامل هر نوع آموزش می‌گردد و اسلام در همه‌ی زمینه‌ها «آموزش و دانش ورزی» را همگانی دانسته و بر برخورداری همه افراد بشر از انواع دانش تأکید دارد و آنرا بر همه مسلمین بدون اعتناء به مسئله نژاد و تبار وظیفه و واجب می‌داند و بر لزوم آماده‌سازی زمینه فراگیری و گسترش انواع دانش، مخصوصاً دانش‌های حیات بخش و اخلاق محور، که موجب رشد اخلاقی انسانها شود، توسط دولت تأکید می‌نماید. این مهم از نظر فقیهان اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است. سید محمدباقر صدر «ره» در این زمینه می‌نویسد: «هدف اسلام پرورش انسان بر اساس اخلاق اسلامی است. به همین منظور، متولی تربیت او می‌گردد و قبل از همه، شکل دادن به ساختار اخلاقی و روحی او را برحسب مفهوم انسان هدف قرار می‌دهد؛ ولی نظام سرمایه‌داری از این نقش اساسی و محوری خالی است و تربیت انسان را به خودش وا می‌نهد تا او خود، خود را بسازد»(شبان‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۵۲) و نیز ایشان معتقد است: «در گام نخست، تربیت درست انسانها بر اساس مبانی فکری درست و در گام بعدی، زیر نظر قرار دادن آنان برای هدایت در مسیر درست و کنترل از افتادن در مسیر انحراف را، وظیفه دولت می‌داند.

۴-۱. اشتراکات و افتراقات اسلام و حقوق بین‌الملل در حق آموزش

از احصاء و شمارش و بررسی قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل و نیز از بررسی آیات، روایات و سیره پیشوایان دین بدست می‌آید که هم حقوق بین‌الملل و هم فقه اسلامی، بر همگانی بودن حق آموزش تأکید داشته و فراگیری دانش را حق مسلم برای تمامی گروه‌های بشری و نژادهای انسانی بدون اعتناء به نژاد، تبار و رنگ آنان می‌دانند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

با آنکه حقوق بین‌الملل و فقه اسلامی، از این حیث که آموزش را حق مسلم همه بشر دانسته و بر آن تأکید دارند، ولی در مواردی نیز تفاوتهایی وجود دارد.

با عنایت به مفاد اسناد حقوق بین‌الملل، می‌توان اذعان داشت که از دیدگاه قواعد مزبور، حق آموزش دست‌کم در سطوح ابتدایی واجد وصف آمرانه است. حال آنکه دین مبین اسلام، بر آمرانه بودن آن در همه مقاطع سنی تأکید داشته و آنرا برای همه گروه‌های نژادی در همه مقاطع سنی لازم و واجب شمرده است تا جاییکه ؛با صراحت تمام؛ فراگیری دانش را از گهواره تا گور، بر همه ابنای بشر لازم و واجب می‌شمارد. (قم، ۱۴۰۳: ۴۰۱)

اسلام و حقوق بین‌الملل هر دو چارچوب جامع و پیچیده‌ای دارند که بر جنبه‌های اخلاقی و معنوی آموزش تأکید داشته و دیدگاه‌های مشابه و متفاوتی در مورد حق آموزش دارند. این دو نظام حقوقی، آموزش را به‌عنوان یک عنصر حیاتی برای پیشرفت جامعه و رفاه انسان‌ها می‌دانند و بر این باورند که آموزش به افراد اجازه می‌دهد تا پتانسیل خود را برآورده کنند، به درک بهتر جهان پیرامون خود دست یابند و نقش فعال‌تری در جامعه ایفا کنند. با این وجود، اسلام، به‌عنوان یک دین، دارای تعالیم و احکام خاص خود در مورد آموزش است که ممکن است با اصول حقوق بین‌الملل متفاوت باشد. برای مثال، اسلام بر آموزش مذهبی و قرآنی به‌عنوان بخشی از سیستم آموزشی تأکید دارد، در حالی که حقوق بین‌الملل به‌طور خاص بر آموزش سکولار و غیردینی تمرکز دارد و این تفاوت‌ها ناشی از ریشه‌های مذهبی و فرهنگی متفاوت آنهاست. درک این اشتراکات و افتراقات می‌تواند به ایجاد یک چارچوب جامع‌تر و فراگیرتر برای تضمین حق آموزش برای همه انسان‌ها کمک کند.

۵- منع تبعیض در امور قضایی

«منع تبعیض در امور قضایی» یا به تعبیر دیگر «دادرسی عادلانه»، فرایندی است مبتنی بر برخورداری طرفین دعوا از همه حقوق، امکانات، شرایط و مزایای مساوی جهت دستیابی به حقوق شان، که نقض این معیارها موجب دادرسی تبعیض‌آمیز و ناعادلانه و رعایت آن منجر به رسیدگی عادلانه در قضاوت خواهد شد. نظام‌های قضایی عرفی و بین‌المللی در جهت نیل به قضاوت عادلانه و عاری از تبعیض، اصول چندی از جمله اصل: بی‌طرفی دادگاه‌ها، علنی بودن رسیدگی، لزوم مداخله وکیل در تمام مراحل رسیدگی، اصل استقلال مقامات قضایی و حاکمیت اصل برائت را مطرح نموده‌اند که مورد تائید اسلام نیز بوده و پیشینه این مباحث در اسلام نیز دیده می‌شود.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

منع تبعیض در معاهدات و اسناد بین‌المللی متعددی همچون؛ اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری؛ و سایر اسناد بین‌المللی، به‌طور واضح بیان شده است. این اصل تضمین می‌کند که همه افراد و گروه‌ها در برابر قانون و سیستم قضایی به‌طور برابر و عادلانه مورد برخورد قرار گیرند.

در نظام قضایی اسلام نیز همگان در برابر قانون برابر بوده و امتیازی برای هیچ یک از افراد جامعه نسبت به جایگاه او از حیث اجتماعی، اقتصادی، نژادی و ... لحاظ نشده است.

یکی از مصادیق عادلانه بودن دادرسی این است که مبرا از تبعیض بر پایه نژادی باشد. افراد از حیث وابستگی‌های نژادی، قومی و رنگ در پیشگاه قانون مساوی بوده و قانون بایستی در همه مراحل و فرایند دادرسی، مانند: شکایت، تحقیق، معرفی وکیل، صدور حکم و اجرای آن درباره تمامی دادخواهان یکسان جاری گردد و قضاوت درباره همه بر مبنای عدالت استوار باشد و دادرس به هیچ عنوان به پیمانه‌های نژادی دادخواهان توجه نکند.

لذا در تعریف عدالت قضایی گفته‌اند: «مراد از عدالت قضایی، آن است که افراد جامعه انسانی از حیث انسانیّت و حقوق انسانی مساوی باشند، باید در مقام داوری، حقّ کسی که مورد تجاوز قرار گرفته، ستانده شود و هیچگونه ملاحظات اعتباری و غیرارزشی مورد توجه قرار نگیرد»(موسوی کرمانی، ۱۳۶۰: ۲۷۰-۲۸۷)

از آنجاییکه قضا شاخه‌ای از ولایت بر جان و مال و عرض و ناموس مردم است؛ لذا از حیث شایستگی والاترین و از نظر مسئولیت خطیرترین جایگاه محسوب می‌شود. نقش قاضی در تحقق غرض حکم، خطیر و دارای جایگاه خاصی است؛ زیرا، نقش قاضی در فرایند رسیدگی به پرونده، با اهمیت و محوری بوده و عملکرد وی می‌تواند پرونده را به سوی یک رسیدگی عادلانه، یا ناعادلانه سوق دهد. لذا دقت در انتخاب قاضی با شایستگی و شرایط خاص اجتناب ناپذیر می‌نماید که اسلام در این زمینه نیز دقت‌های لازم را داشته و به معیارها و اصولی چند توجه نموده است.(نجفی، بی‌تا: ۱۵)

آنچه از تذکر این اصول و معیارهای مورد نظر اسلام محصول می‌گردد و مهم است، این است که هیچیک از این معیارها و اصول که به انتخاب دادرس منجر می‌گردد، بر پیمانه نژادگرایی شکل نیافته و اسلام مقیاس‌های نژاد و رنگ را در انتخاب دادرس دخیل ندانسته و حق دادرسی را به کسی که اهلیت آن را داشته و اهل آن باشد داده است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

۵-۱. قرآن و منع تبعیض در صدور حکم

در همه نظام‌های قضایی و مکاتب الهی هیچ فردی بر دیگری برتری نداشته و معیارها در ارزش‌گزاری به شخصیّت افراد ارجاع داده شده است. در اسلام نیز این مهم به روشنی در آیات بسیاری از قرآن کریم بیان شده است و از منظر اسلام، انسان دارای کرامت و شایسته احترام است.(فاضل، ۱۴۰۸ق.: ۵)

از آیه ۵۸ سوره نساء، به طور روشن استنباط می‌شود که رعایت عدالت و عدم تبعیض بین افراد، در همه مراحل دادرسی، بویژه مرحله صدور حکم، از ویژگیها و سفارشهای نظام قضایی اسلام است. خداوند متعال در آیاتی از قرآن با صراحت تمام امر می‌نماید که، باید حکم کردن بر پایه عدالت و عدم تبعیض استوار باشد. قید «الناس» در انگونه آیات نشان میدهد که حکمی با این ویژگی، عام‌الشمول بوده و در میان همه افراد به صورت یکسان و بدون تبعیض قابل اجراست. این نظریه از آیه‌ی ۴۲ سوره مائده نیز قابل استناد بوده و مبتنی به آیات فوق و نیز دیدگاه فقیهان اسلامی، بر وجوب صدور حکم عادلانه شکل یافته است.(موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳ق.: ۲۵۱)

۵-۲. سیره پیشوایان دین بر منع تبعیض در صدور حکم

سیره پیامبر(ص) و پیشوایان دین(ع)، در همه مراحل دادرسی بویژه مرحله صدور حکم بر پایه رعایت مساوات و عدالت استوار بوده است. پیامبر(ص) در همان روزهای آغازین ورود خویش به مدینه، مبادرت به اصلاحات قضایی و رفع تبعیض نمودند. قبل از ظهور اسلام، بر اساس تعصبات قبیله‌ای و خوی جاهلیت، خون‌بهای یک فرد از بنی قریظه، برابر با نصف خون‌بهای یک فرد از بنی‌نضیر بود؛ ولی با شکایت قبیله بنی‌نضیر، پیامبر(ص) اعلان داشت که خون بهای هردو قبیله برابر و مساوی است.(احمدیان، ۱۳۹۸: ۲۱۴) این روند در اسلام ادامه یافت و تاریخ فرازهای بی‌همتایی از سیره ایشان در این زمینه گزارش نموده است.

مصداق روشن و بارز از مساوات و عدم تبعیض در فرایند دادرسی بویژه صدور حکم، ماجرای مشهور دادخواهی امیرالمؤمنین (ع) نسبت به زره گم شده‌اش است. ایشان در زمان خلافتش، مثل سایر مردم همراه با مرد یهودی جهت دادخواهی نسبت به این دعوا نزد قاضی می‌آید و در دادگاه در کنار آن مرد نشسته و احتجاج و اقامه بینه می‌نماید.

۵-۳. سیره عقلا بر منع تبعیض در صدور حکم

رعایت برابری میان طرفین دادرسی در تمامی مراحل دادرسی از جمله مرحله صدور حکم، از اموری

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

است که سیره عقلای عالم محسوب می‌شود. بدین معنا که شیوه عقلای عالم از دیرباز بر لزوم برابری طرفین دعوا در محضر دستگاه قضا و دادگاه شکل گرفته است. لذا این امر اختصاصی به شرع مقدس اسلام و نظام قضایی آن نداشته و در هر نظام حقوقی رعایت آن اجتناب ناپذیر و ترک آن ممنوع و مذموم شمرده می‌شود و البته شارع مقدس یک ضمانت اجرای محکم و شرعی برای آن ایجاد نموده است.(محمدی جورکویه‌وکاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۴: ۴۱)

۶- منع تبعیض در حق بر آزادی بیان

یک از حقوق بنیادین بشری در جوامع، حق بر آزادی بیان است که از بررسی اسناد بین‌المللی و اسلامی چنین بدست می‌آید که «آزادی بیان» در هر دو حوزه به عنوان حق مسلم برای همه افراد به رسمیت شناخته شده است. البته پذیرش این حق به طور مطلق نبوده بلکه مشروط بر عدم ورود لطمه بر حقوق دیگران است. بر این مهم در مرحله نظری، مواد قانونی و نیز ادله فقهی بسیاری از جمله قاعده «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام» دلالت تام دارند.(عبدالهی، ۱۳۸۶: ۸۳) در مرحله میدانی و عملی نیز، پیامبر اسلام(ص) اولین شخصی بودند که دامنه آزادی بیانش از طرف خداوند(ج) محدود شد؛ زیرا خدواند متعال به پیامبر اجازه نداد که در ابراز نظراتش مطلقا آزاد باشد؛ بلکه شیوه احتجاج و اسلوب گفتار را در قالب حکمت و موعظه حسنه بر او مقرر نمود و بر او سفارش نمود که سخن ناپسند بر زبان جاری نکند.(عوده، ۱۴۳۲ق.: ۳۷) با این همه، متأسفانه در جوامع به ظاهر پیشرفته غربی دیده می‌شود که به بهانه «آزادی بیان» به مقدسات، عقاید و باورهای دیگران، مدام توهین صورت می‌گیرد.

حال، اصل محدودیت برای جلوگیری از به وجود آمدن زمینه سوء استفاده از «آزادی بیان»، اصلی است عقلی و مبتنی بر دیدگاه شرع و نیز قابل قبول؛ ولی افراط و خشک اندیشی زیاد در این باره نیز زمینه آزادی اندیشه را تنگ می‌کند. اسلام برای جلوگیری از بوجود آمدن زمینه سوء استفاده از «آزادی بیان» و «اصل محدودیت»، ابراز سخن و بیان را مقید به ضوابط و قواعد بازدارنده و مصونیت بخش نموده است. برخی از این قواعد، جنبه روش شناختی داشته که درباره بررسی و جمع آوری داده‌ها، درک درست و میزان حقیقت نمایی آنها، پیش از آنکه در اجتماع عرضه و معیار اندیشه و رأی قرار بگیرند دارد. بخشی دیگر جنبه صوری دارند که در روش بیان دیدگاه و ترویج آن به کار می‌روند. برخی دیگر جنبه اخلاقی، اعتقادی و اجتماعی دارند که ناظر بر منع آزار، اذیت و هتک حرمت، و توهین به مقدسات دیگران، و یا ایجاد آشوب و آشفتگی در جامعه هستند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

ارتباط مسئله تقید «آزادی بیان» به قیود و ضوابط بازدارنده در فقه اسلامی با بحث «منع تعبیض در آزادی بیان» مبتنی بر این تحلیل و توجیه شکل می‌گیرد که؛ قیود و ضوابط یاد شده، از سوی قرآن مطلق فرض شده و هیچ گونه تقید از حیث نژاد و رنگ و ... ندارند. مثلاً منطق قرآن در بیان و ترویج عقیده در مقابل خواجه‌گان و زیردستان یکسان و مبتنی بر شیوه نرمش و مدارا و اعتناء به جایگاه و کرامت ذاتی انسانها است. این حق از حیث نژاد و رنگ مطلق بوده و هیچ گونه قیدی ندارد و عدم ورود لطمه بر حقوق دیگران تنها قیدی که برای آن لحاظ شده است و صد البته که این قید نیز به نفع اقلیتهای نژادی است؛ زیرا آنان بیش از همه در معرض لطمه و آسیب‌های جانبی هستند.

مفاد فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل، هم در چگونگی برخورداری افراد جامعه از حق «آزادی بیان» و هم در چگونگی اعمال و اجرای آن توسط افراد با هم اشتراک دارند.

اصل «آزادی بیان» از جهت برخورداری افراد از این حق هم در فقه از سوی شارع مقدس و در حقوق بین‌الملل از سوی حقوقدانان، مطلق وضع شده است. به تعبیر دیگر، هم از نگاه فقه و هم از نگاه حقوق بین‌الملل، هر فرد از هر نژاد و تیره می‌تواند عقیده و نظر خویش را بیان کند و بدین جهت نباید مورد پیگرد، تعقیب و شکنجه قرار گیرد.

«آزادی بیان» تا زمانی به عنوان یک حق از پشتوانه تأیید فقهی و قانونی برخوردار است که موجب ضرر به دیگران نگردد؛ اما آیا ایجاد ضرر و ورود لطمه به خویشتن نیز از این حکم برخوردار است یا خیر؟

در تعیین ملاک برای سوء استفاده و ورود لطمه بر خویشتن، بین فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل تفاوت وجود دارد. زیرا از منظر حقوق بین‌الملل، «آزادی بیان» منوط شده بر عدم ورود لطمه بر کرامت، امنیت، نظم عمومی، سلامت و یا آزادی‌های بنیادی، و حسن شهرت دیگران. اما اینکه ایراد لطمه بر خویشتن نیز از این حکم برخوردار است؟ در پاسخ حداقل می‌توان گفت حقوق بین‌الملل از این حیث ساکت است. بر پایه این دیدگاه است که در «اعلامیه محو همه اشکال تعصب و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد» آزادی ابراز تعلقات مذهبی یا عقیدتی منوط و محدود به عدم ایجاد اخلال در سلامت و یا اخلاق دیگران شده است.

از منظر فقه اسلامی نیز این ممنوعیت به وضوح قابل مشاهده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی نیز بر پایه همین دیدگاه، ابراز نظر از سوی اشخاص را منوط به عدم مغایرت با اصول شرعی نموده است.(حسینی، ۱۳۸۴: ۴۸)

به عبارتی، «آزادی بیان» از منظر حقوق بین‌الملل و یا عرفی، اصل و یا حقی است که اعتبارش را

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

از قراداد و وضع قانونگذار کسب می‌کند؛ ولی از منظر فقه پویای اسلامی ، این حق واقعی و راستین از کرامت انسانی منشأ می‌گیرد. لذا از دیدگاه اسلام کسی حق ندارد به کرامت، آبرو، آزادیها و حقوق تضمین شده دیگران و خویشتن لطمه وارد نماید.

عدم پذیرش «آزادی بیان» به طور مطلق، یکی از اشتراکات فقه اسلامی با حقوق بین‌الملل است. ولی تعیین ضوابط و قواعد بازدارنده و مصونیت‌بخش در تشریع «آزادی بیان» از سوی خداوند مزیتی است که به فقه داده شده است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

نتیجه گیری

یافته‌های این تحقیق بر پایه بررسی داده‌های فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل در مورد «منع تبعیض» نشان دهنده آن است که جوامع بشری، از دیرباز بدین سو از تبعیض بر پایه نژاد، رنج برده و این جنایت مافوق توحش همزاد با تشکیل جوامع انسانی، دست‌مایه اربابان، زورمندان، طاغوتها و ستم پیشه‌گان برای به استثمار کشاندن دیگران و زیردستان بویژه اقلیتهای نژادی بوده و همواره رنجها، مصائب و زیان‌های جبران ناپذیری بر آنان بویژه بر گروه اخیر (اقلیتهای نژادی) تحمیل نموده است. تبعیض نژادی یکی از مهم ترین معضلات و آسیب‌های جوامع و نقض حقوق بشر در دوره‌های مختلف تاریخی بوده است. و این مسئله حتی باعث اختلاف و پیدایش ناامنی و جنگ در جوامع مختلف شده است. تبعیض نژادی به عنوان نقض حقوقی همچون؛ حق بر تابعیت و اقامتگاه، حق بر دسترسی به دادرسی عادلانه و حق بر آزادی بیان؛ در مکتب اسلام و همچنین در اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های بین‌المللی منع شده است.

آیات قرآن و داده‌های فقهی تاریخی گواه بر این حقیقت دارند که، در حوزه تئوری، با پیروی از قوانین الهی اسلامی و در حوزه میدانی، با سیره عملی شان علیه این پدیه شوم مبارزه نموده‌اند. کما اینکه، ابواب مختلفی از فقه اسلامی ، گویای تلاشهای وافر و مداوم فقیهان اسلامی است که آنان نیز با پیروی از شارع و شرع مقدس، در طول حیات بشر علیه این جنایت مبارزه داشته‌اند. چنانچه قوانین گسترده حقوق بین‌الملل نیز شاهدی بر مبارزه و جهت گیری اندیشمندان این حوزه علیه آن است؛ و این عمل ضد بشری، هم در فقه اسلامی و هم در حقوق بین‌الملل، جرم انگاری شده است.

داده‌های نظام فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که مبارزه این دو نظام علیه این جرم بین‌المللی بسی گسترده و همه شمول بوده و همه حوزه‌های حیات مدنی، اقتصادی، سیاسی، خانوادگی و اجتماعی بشر را در بر می‌گیرد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

منابع و مآخذ

۱- احمدیان، روح‌الله ،عدالت و قضاء در اسلام، ناشر: حایر،تهران، ۱۳۹۸.

۲- بوازار، مارسل، اسلام و حقوق بشر، ترجمهٔ محسن مؤیدی، دفتر نشر هرهنگ اسلامی ، ایران- تهران، ۱۳۶۲.

۳- حسینی، سید ابراهیم ، هویت، تفاوت ها و جهان شمولی حقوق بشر، مجله نقد، شماره۳۶، ۱۳۸۴.

۴- حکیمی ، محسن، پی گفتاری بر کارل مارکس، در باره مسألهٔ یهود و گامی در نقد فلسفهٔ حق هگل: مقدمهٔ، ترجمهٔ مرتضی محیط، نشر اختران، ۱۳۸۱.

۵- حلي علامه، حسن بن یوسف ، تذکره الفقها، ج ۹ ناشر آل البیت، ۱۳۸۷.

۶- دانش پژوه، مصطفی، اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی، پژوهشکدهٔ حوزه و دانشگاه، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ایران، قم،چ اول، ۱۳۸۱.

۷- زارعی، محمدرضا، اسلام و حقوق بشر. سمت، ۱۳۹۸.

۸- سلیمی ، عبدالحکیم ، درسنامه حقوق بشر از دیدگاه اسلام، انتشارات:مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)، ۱۳۹۴.

۹- شبان نیا، قاسم، حقوق بشر در پرتو حکومت اسلامی ، ناشر : موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران،۱۳۹۳.

۱۰- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، ج۲، ناشر: دار المعرفة - بیروت - لبنان، ۱۴۱۲.

۱۱- طوسی، محمد بن حسن ابو جعفر ، المبسوط فی فقه الإمامی ة، ج۲، ناشر: المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، تهران ، ۱۳۸۷.

۱۲-عامری، احمدعرب، و پارسامنش، محمدرضا ، تابعیت در اسلام، مجله حقوق اسلامی ، سال پانزدهم، شماره ،۴۱، ۱۳۹۳.

۱۳-عبدالهی، جوانمیر، بررسی تطبیقی حق آزادی بیان از دیدگاه اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ناشر: احسان، ۱۳۸۶.

۱۴-عظیمی شوشتری، عباسعلی ، حقوق بین‌الملل اسلام، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۲.

۱۵-عوده، عبدالقادر، التشریع الجنایی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، نشر دارلکاتب ، بیروت ، ج۱، ۱۴۳۲.

۱۶- فاضل، حسن بن ابی طالب، کشف الرموز، ج۲، مؤسسة النشر الإسلامي - قم ایران، ۱۴۰۸.

۱۷-فلاح‌نژاد، حسن، کرامت انسانی به‌عنوان مبنای منع تبعیض در فقه اسلامی. مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱۳۹۶.

۱۸-قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی ، ج ،۲۲، ناشر: دار الکتاب، ۱۴۰۳.

۱۹-قربانی، احمد، اصل منع تبعیض در حقوق بشر اسلام و اسناد بین‌المللی. فصلنامه مطالعات حقوق اسلامی، ۱۳۹۴.

۲۰- محمدی جورکویه، علی، کاظمی نجف آبادی، محسن ، بررسی اصل رعایت تساوی رفتار قاضی با طرفین دعوا از دیدگاه فقه شیعه، نشریه حقوق اسلامی ، شماره ، ۴۶، ۱۳۹۴.

۲۱- مستفید ، حمید رضا و غفاری، علی اکبر ، عیون أخبار الرضا ، ترجمه غفاری و مستفید، ج ۲ ، نشر صدوق، تهران ، ۱۳۷۲.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

۲۲- مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، ایران، تهران، دوم، ۱۳۸۳.
۲۳- موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا ،کتاب القضاء و الشهادات، ج ۱، نشر مرکزالحقائق الاسلامیه، قم ، ۱۴۱۳.
۲۴- موسوی کرمانی، محسن، رابطه عدالت با عقل و دین، مجله ی نقد و نظر، سال سوم، شماره۱۰، ۱۳۶۰.
۲۵- نادری، زهرا، تحلیل تطبیقی منع تبعیض جنسیتی در حقوق اسلام و حقوق بین‌الملل. فصلنامه زن و خانواده، ۱۴۰۰.
۲۶- نجفی ، محمد حسن ،جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، انتشارات جامعه مدرسین، قم، جلد ۶، ۱۴۳۲.
۲۷- نجفی، حسن، أنوار الفقاهۀ- کتاب القضاۀ، ،انتشارات مکتبة کاشف الغطاء العامة، بیتا.
۲۸- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. میزان، ۱۳۹۰.

An-Na'im, A. A. (2008). Islam and human rights. Routledge.

Baderin, M. A. (2003). International human rights and Islamic law. Oxford University Press.

Brems, E. (2001). Human rights: Universality and diversity. Martinus Nijhoff.

Donnelly, J. (2013). Universal human rights in theory and practice. Cornell University Press.

Mayer, A. E. (2013). Islam and human rights. Westview Press.

Human Rights Committee. (1989). General Comment No. 18.

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۴۰۶

رحمانی، شهرام؛ جعفری، افشین (۱۴۰۳)، «مسیری به سوی برابری: نقش اسلام و حقوق بین‌الملل در منع تبعیض در برخی حقوق بنیادین» فصلنامۀ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۴، ش۴، زمستان ۱۴۰۳، صص ۱۵۰-۱۲۵.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]